

## حربه‌های زنك زده

نیروهای حکومت بت پرستی دوسراسر نقاط شبه جزیره بحال آماده باش درآمده بود و برای مبارزه با آئین بکتا پرستی صفوف خود را منظم کرده بودند در آغاز کار خواستند او را از طریق تطبیع و با دادن مال و دیاست از هدف خود منحرف سازند ؛ ولی نتیجه ای نگرفتند و با جمله مسروف آن رده جهاد «بخدا قسم هر گاه آفتاب را در دست راستم ؛ و ماه را در دست دیگرم قرار دهید (یعنی سراسر جهان را در اختیار من بگذارید) از این کار دست برنخواهم داشت رو برو گردیدند ، سپس به تهدید و تحقیر و آزار کسان و یاران او برخواستند ، و لفظه ای از آزار او و بارانش آرام نگرفتند ، ولی شهامت و استقامت او و یاران با اخلاصش سبب شد در این جبهه نیز پیروز گشتند حتی پایداری خود را در آئین اسلام بقیمت ترك خانه و وطن ، خریده و بوسیله مسافرت خود بسوی خاك « حبشه » در کسترش آن کوشیدند ؛ ولی هنوز بر نامه های حکومت بت پرستی برای قلع درخت توحید ، پایان نپذیرفته بود ، بلکه این بار خواستند حربه برنده تری را بکار ببرند .

این حربه همان حربه تبلیغ علیه «محمد» (ص) بود زیرا آزار و تعدی بحق در باره کسانی کارگر بود که در محیط «مکه» زندگی میکردند و امام در صدها فردیکه بمنظور خرید و فروش و زیارت خانه خدا در ماههای حرام ، بمکه میآمدند ؛ و در محیط امن و آرامی با او تماس میگرفتند و اگر هم ایمان بآئین او نمیآوردند ؛ لا اقل در آئین خود ( بت پرستی ) متزلزل میشدند ؛ چندان مؤثر نبود ؛ زیرا پس از چند صباحی محیط مکه را ترك گفته بزادگاه خود مراجعت مینمودند ، و بدینوسیله نام پیامبر اسلام و زمزمه آئین جدید بتمام نقاط عربستان کشیده میشد . و این خود ضربت شکننده ای بود علیه حکومت بت پرستی و عامل عجیبی بود برای کسترش آئین توحید .

سراز قریش بر نامه تخریبی دیگری را نیز بکار انداختند و خواستند بوسیله آن از انتشار آئین او جلو گیری بعمل آورند ، و تماس جامه عرب را با اقطع کنند .

### تهماتهای ناروا

شخصیت اشخاص را میتوان از زیر نقاب فحشها و تهمت‌ها و ناسزاهاى دشمن ادراك نمود ، دشمن همواره برای اغواء و گمراه کردن مردم میکوشد حریف را با مطالبی متهم سازد ، که برای جامعه ولو يك درهمزار هم قابل هضم باشد ، تا بتواند بانشر اکاذیب و پخش مطالب دروغ و بی اساس خود طرف را متهم ساخته و تا آنجا که میتواند از آبرو و حیثیت او بکاهد ، دشمن دانا میکوشد نسبتهای برقیب خود بدهد که لااقل يك طبقه مخصوص آنرا باور کرده و بالااقل در صدق و کذب آن تردید نکنند ، ولی نسبتهاییکه هرگز بطرف نمی‌چسبند ، و سنگینی با روحیات و افعال مشهود روشن او نداشته باشد ، منتشر نمیسازد زیرا در این صورت درست نتیجه معکوس خواهد گرفت .

در این نقطه مورخ محقق میتواند از پشت این دروغها و تهمت‌ها قیافه واقعی طرف را بخواند و موقعیت اجتماعی ؛ و روحیات او را و لوازم نظر دشمن بدست آورد زیرا دشمن بی‌اگ و ترس در فشار کردن هر گونه بدوییرا تا آنجا که بفتح او تمام شود کوتاهی نخواهد کرد و از حربه برنده تبلیغ تا آنجا که فکر و درایت ، و موقعیت شناسی او اجازه میدهد ، حداکثر استفاده خواهد نمود ؛ پس اگر هیچگونه نسبت ناروایی باو نداده است ، از این لحاظ بوده که دامن‌وی از آن نسبتها پیراسته بوده است .

صفحات تاریخ اسلام را ورق میزنیم ؛ می‌بینیم که « قریش » با آن عداوت و کینه - تیزی فوق‌العاده‌ای که داشتند ؛ با اینکه بهر قیمتی بود میخواستند که سازمان نو بنیاد اسلام را فرو ریزند ، و از شخصیت و مقام آورنده او بکاهند - مع الوصف - نتوانستند کاملاً از این حربه استفاده کنند ، ، با خود فکر کردند ، چه بگویند که مردم باور کنند ، بالااقل مرد شوند ، آیا مثلاً بگویند ، خائن است ؛ چگونه بگویند ؛ هم اکنون ثروت گروهی از خود آنها در خانه او است ، زندگی شرافتمندانه چهل ساله او در نظر همه او را امین جلوه داده بود .

یا او را بشهوترانی متهم سازند چطور این سخن را بر بان آرند ؛ با اینکه او دوران جوانی خود را با يك زن چهل و پنج ساله‌ای آغاز کرد ، و تا آنروز که جلسه مشورتی قریش ، برای تبلیغ علیه او تشکیل گردید ، نیز با همان هوس بر میبرد بالاخره فکر کردند که چه بگویند که به « محمد » بچسبند ، لااقل مردم يك درصد احتمال صدق آنرا بدهند ، آخر الامر سران « دارالندوة » در کیفیت بهره برداری از این حربه متعیر مانده و بالاخره مصمم شدند که این مطلب داد و پیشگاه بکی از صنایع قریش مطرح کنند و نظر او را در این باره مورد

اجراء قرار دهند مجلس منعقد گردید ، سخنگوی جلسه «روبه «ولید» کرده گفت : «روزهای «حج» نزدیک است ؛ وسیل جمعیت در این روزها بنظور اداء فرائض و مراسم «حج» در این شهر گرد می‌آیند ، و «محمد» از آزادی این ایام استفاده نموده و دست به تبلیغ آئین خود خواهد زد ؛ چه بهتر سران قریش نظر نهایی خود را درباره او آئین جدیدش ابراز نموده و همگی يك نظر را در باره او بسمع اعراب برسانند، و اختلاف خود آنها باعث تکذیب یکدیگر نشود .

حکیم عرب در فکر فرو رفت گفت چه بگوئیم ؟ یکی گفت: کاهن بگوئیم وی نظر گوینده را نپسندید ، و گفت : آنچه « محمد » بگوید مانند سخنان کاهنان نیست ، دیگری پیشنهاد کرد ، که او را دیوانه بخوانند ، این بار نیز این نظر با رد و لید مواجه شد و گفت هرگز نشانه دیوانگی در او دیده نمیشود ؛ پس از سخنان زیاد با اتفاق آراء تصویب کردند که او را «ساحر» (جادو گر) بخوانند زیرا وی جادوی بیان دارد ، و گواه آن این است که بوسیله قرآن خود ، میان مکیان ؛ که در اتفاق و اتحاد ضرب المثل بودند سنگ تفرقه افکنده و اتفاق آنها را بهم زده است .

مفسران در تفسیر آیات زیر ، این مطلب را جور دیگری نیز نقل نموده‌اند و آن اینکه : هنگامیکه ، ولید ، آیاتی چند از سوره «فصلت» از پیامبر شنید سخت تحت تأثیر قرار گرفت ، مور بدنش راست شد ، راه خانه را پیش گرفت دیگر از خانه بیرون نیامد ؛ قریش او را بباد مسخره گرفته و گفتند : «ولید» بآئین «محمد» گرویده صف کشان و بطور دستجمعی بسوی خانه او روانه شدند ؛ و از او حقیقت قرآن محمد را خواستار شدند ؛ هر کدام از حضار ، یکی از مطالب فوق را پیشنهاد میکرد ؛ و او رد مینمود ؛ «بالتبیه» رأی داد ، که او را بر اثر تفرقه ای که میان ما افکنده ؛ . «ساحر» بخوانید و بگوئید : وی جادوی بیان دارد .

مفسران معتقدند که آیات زیر در حق او نازل گردیده است : «ذُرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا . نَأْتِيَهُ ۵۰ اِسْوَرَةٌ مَدَنُرٌ» : مرا با آنکه تنها آفریده‌ام و فرزندان و مالی دامت دار با و داده‌ام ، و ابگذار او در باره قرآن بیندیشید ، و حساب کرد ، مرده باد چگونه حساب کرد ، باز کشته باد چگونه حساب کرد ، نظر کرد و عبوس شد و چهره درهم کشید و گفت این جادویی است که نقل میکند .

بافشاری در نسبت جنون

این مطلب از مسلمات تاریخ است که پیامبر اسلام از آغاز جوانی در میان مردم بدرست کاری

و راستگویی و . . . معروف بوده : حتی دشمنان آن حضرت در برابر اخلاق فاضله او بی اختیار سرتسلیم و اقبال فرود میآوردند . یکی از صفات برجسته اش این بود که تمام مردم صادق و امینش میخواندند حتی مشرکین تاده سال پس از دعوت علنی ، اموال ذی- قیمت خود را پیش او بعنوان ودیعت گذاشته بودند ، چون دعوت آنحضرت بر معاندین سخت و گران آمده و مسامحی خود را بر این گماشتند که مردم را بوسیله پاره حرفهایی که میتوان کاملاً باذهان اش را بوزریق کرد از اقبال و توجه باین دعوت صالحه بازدارند ، چون میدانستند که نسبت دروغ و افتراء بآنحضرت در افکار مشرکین غیر معاند و ساده تأثیراتی نخواهد بخشید - لذا - ناگزیر شدند که دو تکذیب دعوت آن حضرت ، بگویند که منشأ دعوای او خیالات و افکار جنونی است که منافات با صفات زهد و دستکاری او نداشته باشد ، و در اشاعه این نسبت و با کارانه ، رنگها ساخته و نیرنگها پرداختند .

از فرط ریاکاری در موقع نسبت دادن پاره از صفات نکوهیده بآن ذات مقدس ؛ ورع و پاکدامنی بخرج داده و با صورت شک و تردید اظهار میکردند که : **افتری علی الله کذباً** به چینه - (سباء - ۸) یعنی بعد از افتراء گفته و یا جنون دامن گیرش شده است ، و این همان شیوه شیطانی است که معاندین پیوسته در موقع تکذیب اشخاص معروف بودع و صداقت بکار میبرند و قرآن نیز خبر میدهد که این شیوه نکوهیده بر معاندین عصر رسالت مخصوص نیست بلکه متعصبین عصرهای گذشته در تکذیب پیامبران الهی همین حربه را بکار میبردند چنانکه میفرماید : **و کذلائه ائتی الذین من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او مجنون (الذاریات - ۵۲)** یعنی همچنین برای کسانی پیش از اینها ، پیامبری برانگیخته نشد مگر اینکه گفتند جادوگر یا دیوانه است ؛ مگر یکدیگر را بگفتن این سخن سفارش کرده بودند (نه) بلکه آنها گروهی سرکشند .

اناجیل راجحه نیز تذکر میدهد وقتی که حضرت مسیح بهود را بندداد ، گفتند در او شیطان است (یعنی جنون دارد) و هلدیان گوید . چرا به حرفهایش گوش میدید ؟ . (انجیل یوحنا - باب ۱۰ فقره ۲۰ و باب ۷ ؛ فقره ۱۰ و باب ۸ فقره ۴۸ و ۵۲) (۱) شمایقین بدانید که هر گاه «قریش» بغیر این تهمتها ، میتوانستند ، تهمت دیگری بزنند ، و او را الکه دار سازند ، خودداری نمیکردند ، ولی زندگانی پر افتخار چهل و چند ساله پیامبر آنان را از تو سمدادن و از بکار بردن این حربه باز میداشت ، آنان حاضر بودند از کوچکترین

(۱) : خلاصه از بیانات استاد تفسیر و کلام مرحوم آیه الله بلاغی ، که در پاسخ پرسش

دانشمند محترم آقای واعظ چرندابی مرقوم فرموده اند .

دين خود ندارند قرار دهند .

۴ - از همه مهمتر اخيراً چنانكه همه ميدانند، مؤسساتي بنام رهبري جوانان در ايران شروع بكار کرده اند كه هدف آنها از ابتدا معلوم بود و از قرار مسموع دستگاه تبليغات مسيحي در اين مؤسسات نفوذ كامل دارد و بنا بر اين نحوه كار تأسيساتي كه در سال جاري در تهران بمنوان شبانه روزي براي دانشجويان شهرستاني برقرار خواهد شد و با گرفتن ماهيانه ۲۵۰۰ ريال وسائل خواب و خوراك و تفريح در اختيار آنها خواهد گذاشت . قابل همه گونه مراقبت است بايد كانونهاي مبلغين اسلامي نسبت بكار همه مؤسساتي كه بنام رهبري جوانان - غير از فرهنگ و دانشگاه و تئاترها و سينماها و مجلات - با تربيت اين طبقه سر و كار دارد از راههاي ممكنه با كمال جدت مراقبت نمايند ؛ لازم بتوضيح نيست كه بايد بدو از نفوذ تبليغات مسيحيت ( و فرقه هاي ضاله كه آنها هم بايد از مسائل روز اسلام باشد ) جلوگيري و از نشر كتب و رساله ها و قيامهاي تبليغاتي و رفت و آمد و تماس افراد مسيحي بنام استاد و مشاور و كارشناس و كارمند و غيره در آن محيطها ممانعت بعمل آيد و در مرتبه دوم ضمن تأسيس مثلاً يك مسجد و قرائتخانه اسلامي و امثال آن ردال آن مؤسسات شبانه روزي زمينه هدايت افكار جوانهاي دانشجوي شهرستاني را بطرف كمالات اسلامي فراهم آورد - بايد اين نوع اقدامات را بوسيله مراجع روحاني و مطبوعات و وسائل ديگر از دولت خواست و ياد آورشد كه خطر افكار كهو نيستي را ميتوان با بسط صحيح تعاليم اسلامي در ميان جوانان منهدم ساخت

۵ - جاي كمال هوشيارى و دقت است كه بنا بر آنچه در نشریات اسلامي منعكس است خوشبختانه دنياي امروز كه از بي هدفى و منازعات مسلكي و سياسى خسته است يعنى اروپا و امريكا و مخصوصاً ژاپن ( خاور دور ) و مال افريقا آماده قبول اسلامند ولى بامنتهای تأسف شديده ميشود كه مبلغين فرقه هاي ضاله همانطور كه سالهاست در امريكا مسلك خود را بنام دين اسلام ؛ ( و يا حداقل يك شعبه از اسلام ) بطور رسمي وحتى در نشریات امريكايي معرفي کرده اند ( و آنها هم دانسته و ندانسته قبول کرده اند ) با فرستادن مبلغين به همان نقاط مورد نظر و دست نخورده مسلك شهي خود را دين ايدآلى آنها يعنى اسلام معرفي ميكنند و تبليغ مي نمايند و اينجاست كه لزوم اقدامات فوري مخصوصاً از طرف مراجع روحاني واضح ميشود .  
«علی اسفر سیف»

داستانهای گذشتگان است که آنها را نوشته است و بامداد و پسرین بدو القاص می کنند ، بگو آنکه در آسانهاوزمین دانای راز است ، این را نازل کرده که وی آمرزنده و رحیم است .

### پافشاری در ایمان «قریش» .

بزرگ پیشوای مسلمانان بخوبی میدانست که بت پرستی بسیاری از مردم به پیروی از سران قبیله خود می باشد ، و چندان ریسه معکمی در دل آنها وجود ندارد ، و هر گاه انقلابی در میان سران بوجود آید ، و موفق گردد که یکی دو نفر را با خود هم آهنگ سازد ، بسیاری از مشکلات را حل خواهد نمود . از این لحاظ - اصرار زیادی در ایمان آوردن « ولید بن مغیره » که بعدها فرزندان او ( خالد بن ولید ) از سران نظامیان و کشورگشایان مسلمین گردید ، داشت ، زیرا او کهنسالترین و بانفوذترین شخصی بود ، که در میان « قریش » عظمت و فرمانروایی داشت ؛ و او را حکیم عرب میخواندند ، و نظر او را در موارد اختلاف محترم می شمردند .

روزی پیامبر ، فرصت مناسبی بدست آورده بود ، و درست همان هنگامیکه حضرتش کرم ما کرم مشغول بسخن گفتن با او بود ، ابن ام مکتوم که مردی نابینا بود ، از صدای پیامبر او را شناخت ؛ و تقاضا کرد که مقداری قرآن بر او بخواند ؛ و در تقاضای خود زیاد اصرار نمود ، این مطلب زیاد بر رسول خدا گران آمد ، زیرا معلوم نبود که چنین فرصتی بار دیگر بدست آورده و بتواند در محیط آرام با دلایل محکم ؛ و بیان شیرین و جذاب خود با حکیم عرب که اسلام او موجب انتشار آئین توحید و گرویدن گروهی بود ؛ بسخن گفتن بپردازد روی این ، لحاظ ، از « ابن ام مکتوم » روی برگردانید و چهره در هم کشید و او را ترک گفت .

این جریان گذشت ، ولی شاید پیامبر در وضع برخورد خود با این ام مکتوم فکر میکرد که ۱۴ آیه زیر که در آغاز سوره « هجس » قرار گرفته اند ، نازل گردید . اینک ترجمه برخی از آنها : چهره در هم کشید ، و پشت بگردانید ، که چرا ( ابن ام مکتوم ) نزد وی آمد ، توجه میدانی شاید قلب او با پذیرفتن اسلام پاک گردد و تذکر باسود دهد ، اما آنکه بی نیازی نشان میدهد توبه و اقبال میکنی با آن که اگر اسلام نپذیرد ، بر تو گناهی نیست ؛ اما آنکه شتابان نزد تو آمده و میترسد ؛ تو از او غفلت میورزی ، چنین مکن ؛ که این قرآن تذکار است هر که خواهد آنرا یاد گیرد . . .